

این کتاب را به ارواح مطهر پیام آوران عاشورا:

چراغ شب زنده داران، زیور صالحان و عبادت پیشه گان، پیشوای زاهدان و پرهیزکاران، امام  
مؤمنان و سید عابدان، حضرت علی بن الحسین، امام سجاد(ع)

و

عقیله بنی هاشم، قافله سالار عشق و شکیبایی، قلّه معرفت، مرد آفرین روزگار، شیرزن  
کربلا، حضرت زینب کبری (س)  
تقدیم می نمایم -

ادبیات

LITERATURE

محمّدزاده، مرضیه ، گردآورنده

دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم/نویسنده مرضیه محمّدزاده. - تهران: وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳.  
ج ۲

جلد اول: شاعران عرب؛ جلد دوم: شاعران غیر عرب.  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

ISBN 964-422-621-6 (ج ۱)  
ISBN 964-422-623-2 (دوره)

کتابنامه.

The Encyclopedia of the Poetry of Ashura

پشت جلد به انگلیسی:

۱. حسین بن علی (ع)، امام سوم ۴-۶۱ ق. - شعر. ۲. واقعه کربلا، ۶۱ ق. - شعر. ۳. شعر مذهبی عربی - مجموعه ها.  
۴. شعر مذهبی - مجموعه ها. ۵. شعر عربی - مجموعه ها. ۶. شعر فارسی - مجموعه ها. ۷. شاعران عرب -  
سرگذشت نامه. ۸. شاعران ایرانی - سرگذشت نامه. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ  
و انتشارات. ب. عنوان. ج. عنوان: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم.

۸۱۶۱/۰۸۳۵۱

PIR۴۰۷۲/ح ۵م ۳

۱۳۸۳

م ۸۲-۲۰۳۲۴

کتابخانه ملی ایران

دانشنامه شعر عاشورایی

انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم

جلد اول، شاعران عرب

**The Encyclopedia of the  
Poetry of Ashura**

**Vol.1 Arab Poets**

www.ketab.ir

نویسنده: مرضیه محمدزاده

تهران ۱۳۸۳



سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

**دانشنامه شعر عاشورایی**  
**انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم**  
جلد اول، شاعران عرب

**The Encyclopedia of the Poetry of Ashura**  
**Vol.1 Arab Poets**

مرضیه محمدزاده

طرح جلد: امیر حریر فروش  
خطاطی روی جلد: جلیل رسولی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳  
شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار  
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

شابک (ج ۱) ۹۶۴-۴۲۲-۶۲۱-۶  
دوره ۲-۶۲۳-۴۲۲-۹۶۴

چاپخانه، انتشارات و پخش:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نیش سه راه شیشه مینا - تهران ۱۵۳۱۱ ۱۳۹۷۸  
تلفن: (چهار خط) ۴۵۱۳۰۰۲ نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵  
انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵ پخش: ۴۵۲۹۶۰۱ نمابر پخش: ۴۵۲۹۶۰۰

فروشگاه شماره یک:

خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۳۱۴۵ ۱۱۳۷۹ - تلفن: ۶۷۰ ۲۶۰۶

فروشگاه شماره دو:

نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر - تهران ۳۵۸۱۴ ۱۴۱۷۹ - تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

فروشگاه شماره سه:

نشر کارنامه - خیابان شهید باهنر (نیاوران) - روبروی کامرانیه شمالی - شهر کتاب - تلفن: ۲۲۸۵۹۶۹

فروشگاه شماره چهار:

فروشگاه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - خیابان صفی علی شاه - تلفن: ۳۲۷۶۰۳۲

فروشگاه شماره پنج:

ونک - ملاصدرا - خیابان شیخ بهایی - ساختمان لادن - تلفن: ۵۶-۸۰۴۱۷۵۰ (داخلی ۲۸۶)

نشانی سایت اینترنتی:

WWW.PPOIR.COM

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیشگفتار: استاد بهاء‌الدین خرمشاهی
۲۱	مقدمه نویسنده:
۳۱	مدخلی بر مرثیه سرایی
۳۷	مرثیه سرایان نخستین:
۳۷	حضرت فاطمه (س)
۳۷	حضرت امام علی (ع)
۳۷	حضرت امام حسین (ع)
۳۹	حضرت امام سجاد (ع)
۴۱	حضرت زینب (س)
۴۲	حضرت رباب (س)
۴۳	حضرت سکینه (س)
۴۴	حضرت ام‌البینین (س)
۴۶	حضرت ام‌لقمان (س)
۴۷	فصل اول: مرثیه‌سرایان دوره اول (قرن اول تا پایان قرن سوم هجری):
۵۱	یحیی بن حکم
۵۲	بشیر بن جذلم
۵۳	عبیدالله بن خزّ جعفی
۵۵	مصعب بن زبیر
۵۶	عقبه بن عمرو السهمی
۵۷	عبدالله بن زبیر اسدی
۵۹	فضل بن عباس بن ربیع
۶۰	ابوالرُمیح خزاعی

۶۱	.....	ابوالاسود الدونلی
۶۲	.....	فضل بن عباس بن عتبه
۶۳	.....	عوف ازدی
۶۴	.....	سلیمان بن قته
۶۶	.....	سفیان بن مصعب عبدی کوفی
۷۰	.....	فرزدق
۷۵	.....	کمیت بن زید اسدی
۸۳	.....	جعفر بن عفان طایی
۸۴	.....	سید اسماعیل حمیری
۸۹	.....	منصور نضری
۹۱	.....	امام شافعی
۹۴	.....	فضل بن الحسن بن عبیدالله بن العباس(ع)
۹۵	.....	دیک الجن
۹۷	.....	خالد بن معدان طایی
۹۸	.....	دعبل خزاعی
۱۲۰	.....	فضل بن محمد
۱۲۱	.....	علی بن محمد بشامی
۱۲۳	.....	علی بن الحسن
۱۲۴	.....	افوه جفانی
۱۲۵	.....	<b>فصل دوم: مرثیه سرایان دوره دوم (قرن چهارم تا پایان قرن ششم هجری):</b>
۱۲۹	.....	صنوبری
۱۳۵	.....	ابوالقاسم زاہی
۱۴۰	.....	ابوفراس حمدانی
۱۴۹	.....	ابوالفتح کشاجم
۱۵۷	.....	ابن هانی اندلسی
۱۵۹	.....	ناشی صغیر
۱۶۳	.....	سعید بن هاشم خالدی
۱۶۴	.....	جوهری
۱۶۸	.....	صاحب بن عباد
۱۷۴	.....	محمد بن هاشم خالدی

۱۷۵	.....	ابو محمد عونی
۱۷۹	.....	ابن حماد
۱۹۳	.....	ابونصر بن نباته
۱۹۴	.....	سید رضی
۲۱۲	.....	سید مرتضی
۲۲۶	.....	ابومحمد صوری
۲۳۰	.....	مهیار دیلمی
۲۴۷	.....	ابوالعلاء معزی
۲۵۰	.....	زید بن سهل موصلی نحوی
۲۵۱	.....	امیر عبدالله خفاجی
۲۵۲	.....	المؤید فی الدین
۲۵۳	.....	ابن جبر المصری
۲۶۰	.....	یحییٰ حصکفی
۲۶۱	.....	حسن بن علی زبیر
۲۶۲	.....	ابن العودی
۲۶۸	.....	قاضی جلیس
۲۷۱	.....	طلانغ بن رزیک
۲۷۵	.....	ابن مکی نیلی
۲۷۷	.....	ضرثر
۲۷۸	.....	خطیب خوارزمی
۲۸۱	.....	ثقیه عماره یمنی
۲۸۴	.....	قطب‌الدین راوندی
۲۸۶	.....	ابن الصیفی
۲۸۷	.....	ابن تماویذی
۲۹۱	.....	ابن معلم واسطی
۲۹۳	.....	احمد بن عیسی هاشمی
۲۹۴	.....	صفوان بن ادریس مرسی

۲۹۵ ..... فصل سوم: مرثیه‌سرایان دوره سوم (قرن هفتم تا پایان قرن نهم هجری)

۲۹۹ ..... ابن سناء الملک

۳۰۰ ..... ابوالحسن المنصور بالله

۳۰۳	.....	علی بن مقرب
۳۰۴	.....	عبدالرحمن کتانی
۳۰۵	.....	کمال‌الدین شافعی
۳۰۹	.....	ابن ابی‌الحدید معتزلی
۳۱۵	.....	ابوالحسین جزّار
۳۱۶	.....	بهاء‌الدین اربلی
۳۱۹	.....	علاء‌الدین علی حلی
۳۴۷	.....	ابوالحسن الخلیعی
۳۵۶	.....	ابن الوردی الشافعی
۳۵۸	.....	حسن آل ابی عبدالکریم «حسن مخزومی»
۳۶۹	.....	حافظ بُرسی حلی
۳۹۴	.....	حسن بن راشد حلی
۳۹۵	.....	ابن المرندس
۴۱۶	.....	مفامس بن داغر حلی

۴۲۳	.....	فصل چهارم: مرثیه‌سرایان دوره چهارم (قرن دهم تا پایان قرن سیزدهم هجری)
۴۲۷	.....	شیخ ابراهیم کفعمی
۴۲۹	.....	ابن ابی شافین بحرانی
۴۳۳	.....	شیخ جعفر خطّی
۴۳۴	.....	سید ماجد بحرانی
۴۳۶	.....	محمد بن الحسن زین‌الدین (شهید ثانی)
۴۳۸	.....	شیخ بهایی
۴۴۱	.....	سید محتوق موسوی
۴۴۲	.....	سید علی‌خان مشمشعی
۴۴۵	.....	شیخ حرّ عاملی
۴۴۸	.....	شیخ احمد بلادی
۴۵۰	.....	امیرحسین کوبانی
۴۵۱	.....	علی فقیه عادللی
۴۵۲	.....	عبدالله شوپکی
۴۵۳	.....	محسن فرج
۴۵۴	.....	سید احمد علی‌خان

۴۵۶	.....	عبدالله شبراوی
۴۶۲	.....	سید محمد امیرالحاج
۴۶۳	.....	شیخ ابراهیم حاریصی
۴۶۴	.....	شیخ یوسف بحرانی
۴۶۶	.....	ملا کاظم آزری
۴۶۷	.....	علامه بحرالعلوم
۴۸۶	.....	میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی
۴۸۸	.....	شیخ ابراهیم عاملی
۴۸۹	.....	ابن فلاح کاظمی
۴۹۰	.....	امین کاظمی
۴۹۱	.....	سید محمد جواد عاملی
۴۹۲	.....	شیخ محمد بن خلفه
۴۹۳	.....	سید ابراهیم بغدادی
۴۹۴	.....	سید ابراهیم عطار
۴۹۵	.....	حاج هاشم کعبی
۴۹۷	.....	شیخ محمدعلی اعسم
۴۹۸	.....	شیخ عبدالحسین اعسم
۴۹۹	.....	شیخ صادق عاملی
۵۰۰	.....	شیخ علی کاشف الغطاء
۵۰۱	.....	شیخ صالح تمیمی
۵۰۴	.....	شیخ حسن قفطان
۵۰۶	.....	عبدالباقی عمری
۵۰۷	.....	شیخ ابراهیم مخزومی عاملی
۵۰۸	.....	شیخ صالح کوآز
۵۱۰	.....	شیخ محمد نضار
۵۱۱	.....	احمد بن قفطان
۵۱۲	.....	شیخ رحمةالله کرمانی
۵۱۴	.....	سید موسی طالقانی
۵۱۵	.....	شیخ عبدالرضا خطی
۵۱۶	.....	سید محمد ادهمی
۵۱۷	.....	شیخ ابراهیم قفطان



- ۵۱۸ ..... سید حیدر حلّی
- ۵۲۱ ..... فصل پنجم: مرثیه سرایان دوره پنجم (قرن چهاردهم و قرن پانزدهم هجری)
- ۵۲۳ ..... شعر معاصر حسینی
- ۵۲۹ ..... شیخ عباس زغیب
- ۵۳۰ ..... محسن ابوالحب
- ۵۳۲ ..... شیخ حسون عبدالله
- ۵۳۳ ..... سید صالح قزوینی نجفی
- ۵۳۴ ..... سید جعفر حلّی
- ۵۳۵ ..... ملاعباس زیوری
- ۵۳۶ ..... محمد کامل شعیب العاملی
- ۵۳۷ ..... سید علی ترک
- ۵۳۸ ..... شیخ حمادی نوح
- ۵۳۹ ..... شیخ یعقوب نجفی
- ۵۴۰ ..... شیخ عبدالحسین جواهر
- ۵۴۲ ..... عبدالحسین اسدالله
- ۵۴۳ ..... حسن الحمود
- ۵۴۵ ..... علی الخیری
- ۵۴۶ ..... عبدالمسیح الانطاکی
- ۵۴۷ ..... سید ابوبکر بن شهاب حضرمی
- ۵۴۹ ..... ناجی خمیس
- ۵۵۰ ..... احمد شوقی
- ۵۵۱ ..... محمد حسین الجبایوی
- ۵۵۲ ..... مهدی الفلوجی
- ۵۵۳ ..... محمد اقبال لاهوری
- ۵۵۴ ..... عبدالغنی الحزّ
- ۵۵۵ ..... مهدی الاعرجی
- ۵۵۶ ..... هادی آل کاشف النطاء
- ۵۵۷ ..... سیدرضا هندی
- ۵۵۹ ..... شیخ حسن دجیلی
- ۵۶۰ ..... حسن محمود امین

۵۶۱	.....	شیخ محمد السماوی
۵۶۲	.....	سید محسن الامین
۵۶۵	.....	ادوار مرقص
۵۶۶	.....	محمدحسین کاشف الغطاء
۵۶۷	.....	عبدالحسین الازری
۵۶۹	.....	حسین علی الاعظمی
۵۷۰	.....	عباس ابوالطوس
۵۷۱	.....	شیخ خلیل مغنیه
۵۷۲	.....	شیخ محمدعی اردوبادی
۵۷۴	.....	سلیمان ظاهر
۵۷۵	.....	عبدالقادر رشیدالناصری
۵۷۷	.....	بدر شاکر السیاب
۵۸۰	.....	محمدرضا الشیبی
۵۸۱	.....	شیخ محمدرضا فرج الله
۵۸۲	.....	محمدهاشم عطیه
۵۸۳	.....	سید محمدرضا شرفالدين
۵۸۴	.....	دکتر مصطفی جواد
۵۸۵	.....	محمود الخبوی
۵۸۶	.....	عباس شبر
۵۸۸	.....	دکتر زکی المحاسنی
۵۸۹	.....	انور العطار
۵۹۰	.....	احمد الهندی
۵۹۱	.....	عادل التضبان
۵۹۲	.....	شیخ مهدی مطر
۵۹۳	.....	عبدالحسین حویزی
۵۹۴	.....	عبدالمنعم الفرطوسی
۶۰۰	.....	احمد الوائلی
۶۰۱	.....	احمد سلیمان ظاهر
۶۰۲	.....	ابراهیم النصیراوی
۶۰۷	.....	بولس سلامه
۶۱۶	.....	محمدتقی جمالالدين الهاشمی

- ۶۲۲ ..... احمد مطر.
- ۶۲۴ ..... موسی الزین شراره
- ۶۲۶ ..... کامل سلیمان.
- ۶۲۷ ..... ابراهیم بزّی.
- ۶۲۹ ..... عبدالرحمن شرقاوی
- ۶۳۴ ..... عبدالله نعمه
- ۶۳۵ ..... نزار قبانی
- ۶۳۷ ..... نزار سنبلی
- ۶۳۸ ..... محمد شعاع فاخر
- ۶۴۰ ..... سعید العسیلی
- ۶۴۷ ..... ادونیس
- ۶۴۸ ..... حسین سلیم عسیلی
- ۶۴۹ ..... رشدی العامل
- ۶۵۲ ..... عبدالکریم شمس‌الدین
- ۶۵۵ ..... علی محمد حسن
- ۶۵۶ ..... محمدرضا فرحات
- ۶۶۰ ..... یاسر بدرالدین
- ۶۶۲ ..... محمد علی شمس‌الدین
- ۶۶۴ ..... علی بدرالدین
- ۶۶۵ ..... شیخ عبدالله العلانلی
- ۶۶۹ ..... عبود الاحمد النجفی
- ۶۷۰ ..... مصطفی جمال‌الدین
- ۶۷۱ ..... محمد مهدی الجواهری
- ۶۷۶ ..... یقین البصری
- ۶۷۷ ..... ناجی الحرز
- ۶۷۸ ..... فرات الاسدی
- ۶۷۹ ..... عبدالکریم آل زرع
- ۶۸۰ ..... یوسف الصانع
- ۶۸۱ ..... مظفر النواب
- ۶۸۲ ..... یحیی عبدالامیر الشامی
- ۶۸۴ ..... جواد جمیل

۶۸۸	.....	منیر الخباز
۶۸۹	.....	احمد دحبور
۶۹۰	.....	عبدالمجید فرج الله
۶۹۱	.....	معروف عبدالمجید
۶۹۵	.....	محمد الماغوط
۶۹۶	.....	محمد احمد القابسی
۶۹۷	.....	مصطفی نعمة السبیٹی
۶۹۸	.....	عبدالهادی المخوضر

www.ketab.ir

## امام حسین در قرآن کریم

۱) در آیه الكرسی (بقره، ۲۵۵): در ترجمه‌ی فارسی تفسیر طبری آمده است: «روزی امیر المومنین علی بن ابی طالب، رضی الله عنه، به نزدیک پیغامبر آمد، پیغمبر، صلوات الله علیه، او را گفت که یا علی من سید [همه] عربم، و مکه سید همه شهرهاست، و کوه سینا سید همه کوههاست. و جبرئیل سید همه فرشتگان است، و فرزندان تو الحسن و الحسین سید همه ی جوانان بهشت اند و قرآن سید همه ی کتاب هاست و سورة البقرة سید قرآن است و اندر سوره ی البقره یک آیت هست و آن آیت پنجاه کلمه است: و زیر هر کلمتی پنجاه برکت است، و آن را آیه الكرسی خوانند».

۲) در آیه مباهله (آل عمران، ۶۱): مفسران اهل سنت (میبیدی، زمخشری، فخر رازی، قرطبی، بیضاوی و دیگران) هم تصریح دارند که مراد حضرت رسول (ص) از «ابناء ناه» (پسران ما) حسن و حسین علیهما السلام، و مراد از «نساءنا» (زنان ما) فاطمه زهرا علیها السلام و مراد از «انفسنا» (خویشان نزدیک خود) حضرت علی بوده است. یعنی چهار تنی که همراه با خود حضرت (ص) پنج تن آل عبا یا اهل کسا را تشکیل می دهند.

جز این آیه که علو شأن ایشان را نشان می دهد، به تصریح زمخشری و فخر رازی آیه تطهیر (احزاب ۳۳) نیز به دنبال آن در گرمی داشت و پاک شماری آنان نازل شده است. نصاری نجران (که مخاطب مباهله، یعنی زاری دو طرف و همراهانشان به درگاه خداوند و درخواست حمایت خداوند و نزول نعمت او برای طرف بر حق، و نزول عقاب و عذاب او برای طرف غیر بر حق) چون صدق و اخلاص دلیرانه‌ی پیامبر (ص) و همراهانشان را مشاهده کردند، هراسان و از عقوبت الهی بیمناک شدند و تن به مباهله ندادند و با پیامبر (ص) صلح کردند و درخواست کردند که بر دین خود باقی بمانند و جزیه بپردازند و حضرت رسول (ص) پذیرفتند.

۳) در آیه تطهیر (احزاب، ۳۳): مفسران شیعه یک کلام، آیه را در حق پنج تن می دانند، پس بهتر است اقوال مفسران اهل سنت را نقل می کنیم. طبری نویسد: «مراد خداوند، عز و جل، خاندان محمد (ص) است. و از رسول الله (ص) روایت شده است که فرمود این آیه درباره پنج تن نازل شده است [درباره من و] علی و حسن و حسین و فاطمه» (مختصر من تفسیر الامام الطبری، ج ۱۲ ص ۱۱۰-۱۱۱، ذیل آیه).

زمخشری آیه را درباره زنان پیامبر (ص) می داند.

اما فخر رازی می نویسد: «مراد از عَنكُمْ» این است که زنان و مردان اهل بیت او را در بر می گیرد. و اقوال درباره اهل بیت مختلف است، و درست تر این است که گفته شود درباره ی اولاد و ازواج اوست و حسن و حسین و علی [علیهم السلام] هم از آنان هستند. زیرا او [حضرت علی (ع)] به سبب معاشرتش با بیت نبی علیه السلام و ملازمت (ص) از اهل بیت او بود.

قرطبی می نویسد: «... و اهل علم اختلاف دارند که مراد از اهل بیت کیست؟ عطا و عکرمه و ابن عباس گویند: آنان فقط زوجات رسول الله (ص) اند و هیچ مردی داخل در آن نیست...» و گروهی از جمله کلبی گفته اند آنها علی و فاطمه و حسن و حسین هستند. در این زمینه احادیثی از پیامبر علیه السلام منقول است و به قول خداوند که می فرماید: لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ استناد کرده اند که اگر مراد از اهل بیت، زنان پیامبر (ص) بود، می فرمود عنکن و يطهرکن، مگر اینکه محتمل است که ناظر به لفظ اهل باشد... و آنچه از آیه بر می آید این است که فراگیر همه اهل بیت اعم از همسران پیامبر (ص) و

غیر آنان است. و برای آن فرموده است و يطهرکم که رسول الله (ص) و علی و حسن و حسین جزو آنان بوده‌اند. و چون مذکر و مؤنث در عبارتی جمع شوند، غلبه را بر مذکر می‌دهند؛ و آیه اقتضای آن دارد که زوجات از اهل بیت هستند. زیرا آیه در حق آنان است و خطابش با آنان است. و سیاق کلام هم بر آن دلالت دارد: و خداوند داناتر است.

اما ام سلمه [یکی از همسران ارجمند پیامبر (ص)] گفته است این آیه در خانه‌ی من نازل شد، آنگاه رسول الله (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و ایشان با او زیر کساء خیبری جمع شدند، و فرمود اینان اهل بیت من هستند و این آیه را خواند و فرمود: **اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً** و ام سلمه پرسید یا رسول الله آیا من هم جزو آنانم؟ حضرت (ص) فرمود: شما هم جای خود دارید و مقام شما هم خوب است.

این حدیث را ترمذی و دیگران نقل کرده‌اند و حدیث غریبی است... (تفسیر قرطبی).

۴) در تفسیر آیه: **«قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ عَلٰمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ اَنْتَ مَحْكُمٌ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيْ مَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ»** (بگو بار خدایا، ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای دانای پنهان و پیدای، تو در میان بندگان در آنچه اختلاف داشته‌اند، داوری می‌کنی) (زمر، ۴۶).

ابوالفتوح رازی (قرن ششم هجری) صاحب کهن‌ترین تفسیر فارسی شیعی و علی الاطلاق صاحب یکی از مهم‌ترین (حد اکثر ۵-۶ تفسیر از) تفاسیر قرآن کریم درباره این آیه می‌نویسد: «منذر الثوری گفت به نزدیک ربیع خثیم حاضر بودم. مردی در آمد (به درون آمد) از آنان که به قتل حسین بن علی علیه السلام حاضر بودند. ربیع [که به گفته‌ی زمخشری مردی بسیار کم سخن بود، طاققت خاموشی نیاورد و سکوتش را شکست و] گفت شما باید که سرهای نبیرگان رسول بر فتراکها آورده‌اید. به خدای که گزیدگانی را کشته‌اید که اگر [=هرگاه] رسول خدای ایشان را دیدی بر کنار خود بنشاندی و بوسه بر دهن ایشان دادی. آنگه این آیت بخواند.»

۵) در شأن نزول و در تفسیر آیه مودت قرنی: **«ذٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللّٰهَ بِعِبَادَةِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ، قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي التَّوْبٰنِ وَ مَنْ يَتَّخِذْ حَسْبَهُ نَزْدًا لَّهُ فَبِهَا حُسْنًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»** (این بهشت همان است که خداوند به بندگانیش که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، مژده داده است؛ بگو برای آن کار [رسالت] از شما مزدی نمی‌طلبم، مگر دوستداری در حق نزدیکانم [اهل بیت]؛ و هر کس کار نیکی کند، در آن برایش جزای نیک ببنفازیم؛ چرا که خداوند آمرزگار قدر دان است) (شوری؛ ۲۳).

غالب مفسران اهل سنت هم بر آنند که مراد از «قرنی» اقارب رسول الله (ص) یعنی اهل بیت، علیهم السلام، است. زمخشری می‌گوید: «... و روایت کرده‌اند که چون این آیه نازل شد، گفتند یا رسول الله قرابت تو کیانند که بر ما مودت آنان واجب شده است؟ فرمود: «علی و فاطمه و پسران آن‌ها» و مویذ آن روایتی است از علی، رضی الله عنه، که فرمود: به نزد رسول الله (ص) از رشکی که بعضی از مردم به من می‌برند شکایت کردم. فرمود آیا خشنود نیستی که چهارمین چهارتن باشی؟ اولین کسی که وارد بهشت شود منم و تویی و حسن و حسین و همسران ما از دست راست و دست چپ، و ذریه‌ی ما پشت سر همسرانمان هستند...»

۶) در تأویل آیه **«وَ قَدْ يٰنَاهُ بِذِيْعٍ عَظِيْمٍ»** (صافات، ۱۰۷): معنای این آیه‌ی قرآن چنین است:

(و به جای او قربانی بزرگی را فدیة پذیرفتیم). بسیاری از مفسران فریقین ذبح عظیم را به معنای قوج یا چیزی نظیر او یاد کرده‌اند. اما بعضی از مفسران شیعه از جمله ملامحسن فیض کاشانی در «تفسیر صافی»، سید هاشم بحرانی در «تفسیر برهان»،

حویزی در «نورالثقلین» و علامه مجلسی در «بحارالانوار» (ج ۱۲، ص ۱۲۴-۱۲۵)، طبق حدیثی که در «عیون اخبار الرضا» از امام رضا (ع) روایت شده است، نقل کرده‌اند که در اینجا مراد از ذبح عظیم حضرت امام حسین (ع) است که از ذریه‌ی ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام است، و او قربانی عظیمی بود که جانشین و فدیة پذیر ذبح اسماعیل (که در آخرین لحظات به امر و وحی الهی انجام نگرفت) قرار گرفت.

[برای تفصیل در این باره نگاه کنید به مقاله‌ی «ذبح عظیم» نوشته راقم این سطور در کتاب «قرآن پژوهی» یا در «دایرةالمعارف تشیع».]

(۷) در تفسیر و تأویل «لَوْلُو و مرجان» آیات ۱۹ تا ۲۲ «سوره الرحمن» چنین است:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِسَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْتَغِيَانِ. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهَا الْوَلُؤُ وَالْمَرْجَانُ، (دو دریا را که به هم می‌رسند در آمیخت. در میان آنها برزخی که به همدیگر تجاوز نکنند. پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ از آن دو دژ و مرجان بیرون می‌آید).

مفسران برای دو بحر معناهای مادی و معنوی متعددی یاد کرده‌اند. اما طبرسی در «مجمع البیان» و میبیدی (اهل سنت با گرایش عرفانی و شیعی) و شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرهایشان می‌نویسند که از سلمان فارسی و سعیدبن جبیر و سفیان ثوری نقل شده است که مراد از بحرین حضرت علی و فاطمه علیهما السلام، و مراد از برزخ حضرت رسول (ص) و مراد از لؤلؤ و مرجان حسن و حسین علیهم السلام هستند.

(۸) در شأن نزول آیه ابرار و ایفاء به نذر و اطعام طعام: آیات ۵ تا ۸ سوره‌ی انسان (دهر) از این قرار است: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ كَابُورٌ... (بی‌گمان نیکان از جامی که آمیزه‌ی آن کافور است، می‌نوشند. چشمه‌ای که بندگان [درستکار] خداوند از آن می‌آشامند، هرگونه بخواهند روانش می‌کنند. آنان به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرش دامنگستر است، بیم دارند. و خوراک را با وجود دوست داشتنش به بینوا و یتیم و اسیر اطعام می‌کنند)

این آیات به تصریح مفسران شیعه و اهل سنت درباره‌ی حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، و فضه خادمه‌ی آنان نازل شده است. علاوه بر مفسران شیعه (از قدما: قمی، طوسی، طبرسی، ابوالفتوح) مفسران اهل سنت هم (از قدما: میبیدی، زمخشری و فخر رازی) به آن اشاره کرده‌اند. از آن میان قول زمخشری (سنی معتزلی قرن ششم هجری) را نقل می‌کنیم: «از ابن عباس، رضی الله عنه نقل شده است که حسن و حسین بیمار شده بودند. رسول الله همراه با تنی چند، از آنان عیادت کردند و [خطاب به علی] گفتند ای ابوالحسن خوب است برای تندرستی فرزندان نذر کنی. علی و فاطمه و فضه خادمه آنان نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند، سه روز روزه بگیرند. آن دو شفا یافتند و [آن خانواده] چیزی نداشتند. علی از شمعون یهودی خیبری سه صاع جو قرض کرد. فاطمه یک صاع را آسیاب کرد و به تعدادشان پنج قرص نان پخت. نانها را در میان گذاشتند که افطار کنند. سائلی بر آمد و گفت ای اهل بیت محمد سلام بر شما، مسکینی از مساکین مسلمان هستم، به من خوراکی دهید که خداوند به شما از مانده‌های بهشتی دهد. او را بر خود مقدم داشتند و نانها را به او بخشیدند. و فقط با آب روزه‌های خود را گشودند، و فردای آن روز نیز با همان وضع روزه گرفتند. چون شب شد و غذا به میان آوردند، یتیمی بر در آمد، آن غذا را هم به او بخشیدند؛ و در روز سوم [که به همان ترتیب روزه داشتند] اسیری پیدا شد، و همان معامله را تکرار کردند. و چون صبح شد علی، رضی الله عنه، دست حسن و حسین را گرفت و به نزد پیامبر (ص) رفتند. چون ایشان همراه آنان به

منزلشان رفت و فاطمه را دید که در محراب عبادت است و شکمش به پشتش چسبیده است و چشمهایش گود رفته است. از دیدن او اندوهگین شد. آن گاه جبرئیل نازل شد و گفت خداوند تو را به چنین اهلی بیتی تهنیت می‌گوید و این سوره را قرائت کرد. (کشاف)

## \* تکمله

(۱) از حضرت زینب علیها السلام، استشهد به آیه‌ای مناسب از آیات قرآن کریم، پس از واقعه کربلا که سرهای شهیدان و خود بازماندگان را اسیرانه، به نزد یزید برده‌اند. نقل شده است، که این آیه‌ی قرآنی است: **وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُظِلُّهُم خَيْرٌ لَّا تَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُظِلُّهُم لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَمْ نَعَذِّبْهُمْ لِيُذَكَّرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ** (و کافران هرگز مپندارند که چون مهلتشان می‌دهیم به سود آنان است، تنها [از آن روی] به آنان مهلت [و میدان] می‌دهیم که تا سرانجام بر گناهان خویش بیفزایند، و عذاب خفت باری در کمین دارند). (آل عمران، ۱۷۸)

(۲) آخرین عبارت از آخرین آیه سوره شعرا چنین است: **وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ** و کسانی که ستم کرده‌اند [در بعضی از تفاسیر شیعه در اینجا افزوده‌اند، «در حق آل محمد»] زود بدانند که به چه بازگشتگاهی و سرنوشت و سرانجامی راه خواهند برد. بسیاری از خطبا و شیفتگان حضرت سیدالشهدا (ع) غالباً این عبارت قرآنی را در حق ظلمه و قتل حضرت (ع) بر منابر یا در مجالس می‌خوانند.

(۳) و این آخری قرآنی نیست (از حافظ است که حافظ قرآن است، در غزل معروف زان یار دلتوازم شکرست با شکایت، دو بیت هست که یکی از خطبای صاحب‌دل نکته‌دان در مجلس سوگواری سیدالشهدا، (معروف به روضه) آن را به صوت حزین دلنشین در اشاره به حضرت (ع) خوانده که از آن پس این تمثیل و استشهدا شهرت و شیوع یافته است:

رندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس  
گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

و در اشاره به شهادت مظلومانه‌ی سیدالشهدا بیت بعدی را می‌افزاید:

در زلف چون کمندش ای دل میبچ کاناخا  
سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

و پیداست که چه شور و شیونی از مجلسیان بلند شده است

\*

حال چند کلمه‌ای هم درباره‌ی این کتاب عظیم‌الشان که به کوشش عاشقانه و حق طلبانه‌ی محقق عالی مقام سرکار خانم مرضیه محمدزاده پس از تلاشی شبانه‌روزی و پنج ساله با مراجعه به بیش از چهارصد منبع و مرجع مهم و معتبر فارسی و عربی و شیعی و سنی که در طول بیش از ۱۴ قرن در بیان عظمت مقام و علو شأن حضرت حسین بن علی (ع) مرثیه یا صورتی توأمان از مدح و منقبت و مرثیه سروده‌اند، گرد آورده‌اند. تفصیل این کوشش عظیم بی سابقه و توضیح سبک و ساختار کتاب را در مقدمه، خودشان آورده‌اند.

اجر چنین تلاش و خدمت عظیم و خالصانه‌ای با خداوند است و یک کرشمه [نگاه معنوی مرحمت از حضرت حق و امام حسین (ع)] تلافی صد جفا کند

این بنده خود از ۱۸-۱۹ سالگی مدایح و مرثیه‌ها در حق ائمه اطهار علیهم السلام سروده‌ام، و ترکیب بندی که از این جانب در این مجموعه آمده در همان سالها سروده شده، و نخست بار پس از ۲۵-۲۶ سال فاصله از سرودن آن در کیهان فرهنگی دوره اول به طبع رسیده است. شعرهای دیگر هم هست که اگر نسخه‌ای از آنها پیدا کنم تقدیم حضورتان می‌کنم. از جمله



قصیده‌ای به مطلع:

جهان قیام کند بهر احترام حسین  
خود احترام پدید آید از قیام حسین

که به یاد دارم در این مطلع نظر به گفته‌ی معروف گاندی رهبر استقلال هند داشته‌ام که گفته است: «من با دست خالی نبرد خود و ملت‌م را با قوی‌ترین نظام استعمارگر جهان آغاز کردم. عده و عده کافی نداشتم. جز یک سرمشق والا و آن نیز راه و روش و رفتار امام حسین مسلمانان بود.»

آری دیگر حماسه آفرینان، و ملتها از اسطوره تاریخ می‌سازند، و ما مسلمانان که افتخارمان به سیرت رسان و راه و روش مولا حسین بن علی (ع) است، می‌بینیم که حضرت (ع) از تاریخ، اسطوره ساخته است. یعنی از تاریخ به فراتاریخ راه برده و نشان داده است که آرمان حقیقت و حقیقت آرمانی، ولو در این راه سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت، در نهایت پیروز می‌شود.

ران ملخی نزد سلیمان حسین (ع)

چون بنده‌ی حق است بسود آزاده	بسانوی تسلامتگر محمدزاده
از کسام صدف، چه گوهری افتاده	کرده است شرفنامه‌ی اسلام، نوین
صد شکر از این مائده‌ی آماده	«دانشنامه» ز «شعر عاشورایی» ست
کو همسر خویش نیک یاری داده	بسر همسر او عنایت ایزد، یسار

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْهَا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بهاء الدین خرّمشاهی

تهران، رمضان ۱۴۲۴ق / آبان ماه ۱۳۸۲ش

## مقدمه نویسنده

هر فکر و فرهنگی که به زبان شعر در نیاید، در طول زمان ماندگار نخواهد بود. شعر از قدیمی‌ترین آفریده‌های روح بشری است که نه تنها برای بیان صرف بلکه برای القای احساس و درک و تلقی به کار می‌رود. و چنین بود که انسان شعر گفت تا احساس و فکر و اندیشه خویش را منتقل سازد.

در آثار منظوم شعرا به اشعاری بر می‌خوریم که بر پایه‌ی سازندگی مکتبی انسان و نشر معارف بشری پرداخته شده است و در این راه از قرآن و حدیث الهام گرفته، در علوم عقلی و فلسفی بحث نموده و پا در فنون و علوم بشری گذاشته‌اند. از سخنان پندزا و سودمند که نشان دهنده‌ی روح انسان کامل است دریغ نموده و شعرشان شامل مزایای ادبی هم بوده است. چنین ادبیاتی از دیدگاه دانشمندان و صاحبان حکمت است که بشریت بدان احساس احتیاج می‌نماید.

شعر شعرا، فضایل اخلاقی و امور معنوی را با روح شنونده درآمیخته و با یک جذبه‌ی عمیق، رهرو حق را به چشمه زلال حقیقت پیوند می‌دهد. فضای دید انسانها را وسیع‌تر و فریاد دل‌نشین خود را به دل هر انسانی می‌رساند و چه بسا این آوازه‌ها که از دل شاعران بر می‌خیزد، در دل شب، نوای دل‌نشین کاروانیان می‌شود و این نوا و آواز است که در دل رهروان، شور زندگی می‌افکند و نوید صبحی دل‌افروز را به بشر می‌دهد.

در مجلس امرا و بزرگان، سرایندگان شعر هنرنمایی دارند. در سنین کودکی شعر مبدء تلقین اوصاف پسندیده و خصلت‌های نیکو است و شور ایمان را در رگ و پی جوانان جای می‌دهد و همراه بارشد جسمی، روح طفل را به آسمانهای پاک اوج می‌دهد و افق‌های دیگری به رویش می‌گشاید او را با پاکان آشنا می‌سازد و دلش را به خاندان پیامبر که بهترین پاکانند ربط می‌دهد، و این شعر است که این همه هنر دارد و چه شوری در دل و خروشی در سر می‌افکند.

می‌بینیم که چگونه در مقابل قصیده‌ی میمیه‌ی فرزاد دل می‌بازیم و با هاشمیات کمیت انس می‌گیریم و قصیده‌ی عینیه‌ی سید حمیری شور و احساسی حماسی در دل و جانمان می‌افکند. قصیده‌ی ثائیه‌ی دعبل خزاعی را می‌خوانیم و بر جنایات و ستم‌هایی که بر خاندان رسول (ص) رفته، اشک می‌ریزیم و با قصیده‌ی میمیه‌ی امیر ابوفراس دگرگون شده و با شاعر دل سوخته همراه گشته و هم آواز می‌شویم.

در خلال این کتاب با آه سوخته و رنج‌های فراوانی که این شاعران حق جو کشیده‌اند، آشنا می‌شویم. با شاعران قرن اول هجری که چگونه مدیحه و مرثیه را سر دادند و چون شمشیر برآنی از پیشوایان دین حمایت کردند و شعرشان چون تیر خطرناکی بود بر قلب دشمن. و در هر مرز و بوم جز اعلام دوستی خاندان محمد (ص) کاری نداشتند. پیشوایان دین هم به نحو احسن این شاعران را می‌نواختند که از کار و دیگر امور مستغنی شده و به این امر مهم که توجه دادن انسانها به خویشتن انسانی خود است، اشتغال ورزند.

پیشوایان حق در تشویق این شاعران چنین می‌فرمایند:

«يُؤَاكُ اللَّهُ يَتِّ قَلْتَهُ يَتَأُ فِي الْجَنَّةِ»<sup>(۱)</sup>

هرکس یک بیت شعر درباره‌ی ما بگوید خداوند در بهشت خانه‌ای برایش می‌سازد و بدین سان مردم را در حفظ و یادگرفتن این اشعار تحریض می‌کردند چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«ما قالَ فینا فائِلٌ یبیتُ شعرِ حَقِّ یُوئِدُ بِرُوحِ القُدُسِ»<sup>(۱)</sup>

درباره‌ی ما کسی شعری نگوید مگر اینکه از جانب روح القدس تأیید گردد

آنچه امامان معصوم ما در تشویق شعرا فرموده‌اند رفتاری است که از جدّ بزرگوارشان آموخته‌اند. زیرا رسول اکرم(ص) فوق العاده شاعران را در مدح پاکان و ذمّ مخالفین تشویق می فرمود و به آنان که رسالت شعر را مراعات می نمودند، ارج می نهاد. هنگامی که عمرو بن سالم، بر پیامبر(ص) وارد شد و شعر خود را خواند حضرت فرمود: «حقا که ما را یاری نمودی، خدا یارت باشد»<sup>(۲)</sup>

هم چنین سرور و شادی رسول الله(ص) را می بینیم زمانی که کعب بن زهیر لامیه‌ی خود را برای حضرت خواند و پیامبر(ص) بردی را به او صلّه داد که بعدها معاویه به بیست هزار درهم از او خرید و پیوسته خلفا آن را در روزهای عید می پوشیدند<sup>(۳)</sup>.

نیز پیامبر اکرم(ص) «حسان بن ثابت» را که در روز «غدیر خم» جریان غدیر را به صورت نظم سرود، این چنین دعا فرمود: دعا فرمود: «خداوند! حسان را تا موقعی که از ما دفاع می کند، تأیید فرما»<sup>(۴)</sup>.

پیامبر اکرم(ص) به شعرا می فرمود: «وقتی که به وسیله‌ی شعر با مخالفین به مخالفت بر می خیزید مانند مجاهدانی هستید که تیرها را به سمت دشمن پرتاب می کنید»<sup>(۵)</sup>

ایشان پیوسته شعرا را بر می انگیخت تا با تیرهایی از شعر به پیکار با مخالفین برخیزند و با حماسه‌های شجاعت‌انگیز، ضدیت و جبهه‌بندی کفار را در هم کوبند. وی می فرمود: «به آن که جان محمد در قبضه‌ی قدرت اوست قسم یاد می کنم که این عمل شما چنان است که با تیرهای آتشین قلب دشمن را می شکافید و آنها را نابود می سازد»<sup>(۶)</sup>.

پیامبر این چنین روح نیرومند دینی را در بین مسلمین دمیده و حمیتشان را در مقابل حمیت جاهلیت تقویت می نمود. زیرا شعر است که آنها را به هیجان و نشاط می آورد و آنها را در راه نشر معارف و دعوت به حق تحریک می کرد و به دفاع از حریم اسلام وا می داشت. رسول الله(ص) به شاعران می فرمود: «مشرکین و انانی را که از طریق حق دور هستند، هجو کنید. زیرا در این هنگام روح القدس همراه شماست»<sup>(۷)</sup>.

باید توجه داشت در عصر پیامبر(ص)، هجو، بیان مظاهر فساد و تباهی دشمنان بود و هجویات به واقعیات شخصیت خانوادگی و رفتاری فرد تأکید داشت و پیامبر از آمیختن هجو به یاوه و هزل جلوگیری می نمود. رسول الله(ص) سروده‌ها را سمت و جهت می بخشید و شخصاً به اصلاح تفکر شاعر می پرداخت. وی از شعرا می خواست که گفتار مخالفین و حَسَب و نَسَب و تاریخ نشو و نمای آنها را از افراد مطلع یاد گرفته و با ذکر نقاط ضعف، به مقابله برخیزند.

آنچه قابل تأمل است این که در تمام سرایا و غزوات حضور شعر و شاعر را به خوبی می بینیم، آن چنان که گویی بخشی از ضروریات نبرد شعر و سروده است. علامه امینی می نویسد: «به میمنت قرآن و حدیث، عده‌ای از یاران پیامبر(ص) که به شعر

۱- رجال کشی؛ ص ۲۵۴.

۲- الغدیر؛ ج ۲، ص ۵.

۳- الاصابه؛ ج ۵، ص ۲۹۶.

۴- مستدرک الحاکم؛ ج ۳، ص ۴۷۷.

۵- مسند احمد؛ ج ۳، ص ۲۵۶.

۶- همان؛ ص ۴۶۰.

۷- همانجا.

عنایتی داشتند، از هر سو گرد پیامبر(ص) جمع می‌شدند و در اوقات مختلفه، از سفر و حضر در حضور حضرت به سرودن و خواندن اشعار، همت می‌گماشتند. آنان پیوسته در پیرامون حضرت بودند و حتی در سفرها از او جدا نمی‌شدند. چابک‌سواران جنگی بودند که با شمشیر بران شعر و تیر دلدوز نظم، دشمنان اسلام را رسوا کرده و در میدان نبرد، مردانه از حریم اسلام دفاع می‌نمودند و با زبان در راه خدا جهاد می‌نمودند.<sup>(۱)</sup>

این روح اسلامی که از شعر متعهد اینان می‌تراوید دل و جان افراد جامعه را تسخیر می‌کرد، در اندیشه‌ها راه می‌یافت و آنها را می‌ساخت و با افکار در می‌آمیخت.

قرآن کریم یکی از سوره‌های خود را «شعرا» نامیده است که از جهت تعداد آیات بعد از بقره طولانی‌ترین سوره است. نام سوره از چند آیه‌ی آخر سوره گرفته شده است<sup>(۲)</sup> در این سوره درباره شعرای بی‌هدف سخن می‌گوید.

این سوره شاعران را به دو گروه تقسیم نموده و به بافت فکری و عقیدتی آنان اشاره دارد. گروه اول شاعران قبل از «الآن» هستند: که قریحه‌ی ظریف و لطیف آسمانی و هنر زیبایی ملکوتی خود را سقوط داده‌اند و گروه دوم بعد از «الآن» هستند: شعرای با ایمان و با همت که به دفاع از معارف الهیه و شئون انسانی می‌پردازند و با اشعار روح پرور خود، جانها را صفا می‌بخشند و پرده‌های تزویر را فرو می‌اندازند و ماهیت افراد خبیث و نالایق را به نمایش می‌گذارند.

گویند وقتی این آیات نازل شد عده‌ای از شعرا نزد رسول خدا آمدند و عرض کردند خداوند ما را نکوهش فرموده است؟ پیامبر(ص) قسمت دوم آیه را تلاوت نمود و فرمود: «شما مصداق آن هستید و در حقیقت با شمشیر زبان در جهاد می‌باشید».<sup>(۳)</sup>

شیخ صدوق در کتاب عقایدش از امام جعفر صادق(ع) روایتی را نقل می‌کند که مراد از آیه، نکوهش کسانی است که به دروغ داستان‌سرایی می‌کنند.

علی بن ابراهیم نیز در کتاب تفسیر خود ذیل آیه نقل می‌کند که امام جعفر صادق(ع) فرمود: «آیاتی که مذمت شعرا در آن شده مشمول کسانی است که دین خدا را تغییر داده و با اوامر الهی مخالفت می‌ورزند و موجب نشر عقاید فاسد در بین مردم شده و آنان را به پیروی راه‌های باطل و ا می‌دارند».<sup>(۴)</sup>

اسلام علاوه بر اینکه شاعران به حق را نکوهش ننموده، آنها را مورد تمجید و تعریف نیز قرار داده است. روایت معروفی از رسول‌الله(ص) است که فرمود: «إِنَّ مِنَ الشُّعْرَى لِحِكْمَةٌ وَإِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ لِسُخْرَاءُ»<sup>(۵)</sup> بعضی اشعار حکمت است و پاره‌ای از سخنان بسان سحر تأثیرگذار است.

این دعوت روحی و یاری دین که به وسیله‌ی شعر انجام می‌گرفت و از تأیید قرآن و حدیث هم برخوردار بود در زمان ائمه طاهریں نیز چون زمان رسول‌الله(ص) برقرار بود و مردم از شعر شعرای اهل بیت قلوبشان مسخر می‌شد و حقایق مکتب و

۱- الغدیر؛ ج ۲، ص ۱۶.

۲- وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ زَادٍ يَهِيمُونَ. وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا أَكْثِيرًا وَ اتَّقَرُّوا مِنْ بَيْنِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. سوره شعراء، آیات ۲۲۴-۲۲۷.

و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی کنند. آیا ننگری که آنها خود به هر وادی جبرت سرگشته‌اند. و آنها بسیار سخنان می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند. مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند و برای انتقام از هجو و ستمی که در حق آنها شده یاری خواستند و آنان که ظلم و ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کيفر و دوزخی بازگشت میکنند.

۳- مسند احمد؛ ج ۳، ص ۴۵۶.

۴- الغدیر؛ ج ۲، ص ۹.

۵- همان؛ ج ۱، ص ۲۶۹. سنن دارمی؛ ج ۲، ص ۲۹۶. تاریخ بغداد؛ ج ۳، ص ۹۸. تاریخ دمشق؛ ج ۱، ص ۳۴۸. الاصابه؛ ج ۱، ص ۴۵۳. تهذیب التهذیب؛ ج ۹، ص ۴۵۳.

ولایت با جانشان آمیخته می‌گشت. در عصر ائمه (ع) جدای از بهره‌گیری آن در صحنه‌های نبرد، برای نشان دادن مظلومیت خاندان پیامبر (ص) و حقانیت علوی و ترسیم بیدادها و ناروایی‌ها، همیشه و در همه جا به میدان می‌آمد و چون سلاح برنده عمل می‌کرد.

غذیره‌ها، قصاید شکوهمند، مرثی و حتی هجویه‌هایی که دشمن سوز و ستم کوب است، نقش مهمی در تبیین فرهنگ شیعه و معرفی چهره‌هایی دارد که با رنگها و نیرنگها از صحنه دور نگه داشته شده‌اند.

پیوسته شعرا از نقاط دور با قصاید مذهبی و حکامه‌های دینی خود به خدمت ائمه (ع) مشرف می‌شدند و مورد تفقد و اکرام ایشان واقع می‌گشتند. ائمه به احترام مقدم شعرا، محفل‌ها تشکیل و دوستان خود را بدان دعوت می‌کردند و با دادن صلّه و جایزه‌های گرانبها، شعرا را مورد نوازش و مرحمت قرار می‌دادند و نکاتی را که موجب خلل و نقص شعر آنان بود، گوشزد می‌نمودند. چنین است که در دوره‌ی ائمه طاهربین (ع) تطوراتی در شعر و ادب پیدا شد و به کمال گرائید و در اجتماع آن روز از بیشتر علوم و فنون اجتماعی پیشی گرفت. اهمیت شعر به جایی رسید که برپا نمودن مجلس شعر و صرف وقت نمودن به خاطر آن در مکتب اهل بیت جزو طاعات شمرده می‌شد و گاهی بعضی از اشعار نغز در شریف‌ترین اوقات خوانده می‌شد و بر بزرگترین اعمال عبادی تقدّم داده می‌شد. چنانکه این حقیقت را به وضوح از گفتار و رفتار امام صادق (ع) نسبت به هاشمیات کمیت درمی‌یابیم.

کمیت در ایام تشریق در منی بر آن حضرت وارد شده و اجازه خواست تا برای حضرت از اشعار خود بخواند. حضرت فرمود: این ایام بسیار شریف و با ارزش است. کمیت عرض کرد: این اشعار درباره شما اهل بیت سروده شده است. امام (ع) یاران و همراهانش را جمع کرد و به کمیت فرمود: شعرت را بخوان. کمیت قصیده لامیه از قصاید هاشمیاتش را خواند. پس از اتمام شعر حضرت درباره‌اش دعا فرمود و به او صلّه داد<sup>(۱)</sup>.

نظر به فواید اجتماعی و دینی که بر اشعار بار بود، پیشوایان دین هیچگونه نظری به شخصیت شاعر نداشتند و نسبت به سایر شوون و اعمالش خرده نمی‌گرفتند. هرچند شاعری بدمنش بود و از رفتار ناراضی بودند. همین که اشعاری می‌سرود که در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق مفید بود از اعمال بدشان چشم‌پوشی کرده و به شاعر به دیده‌ی استرحام می‌نگریستند و برایش طلب آموزش نموده و حتی سخنان امیدوارکننده‌ی در مورد آنان می‌فرمودند.

چون مجلس آرای و مدیحه‌سرایی بر دشمنان اهل بیت گران می‌آمد بدین جهت مدیحه‌سرایان ائمه هدی از کید و دسیسه‌های دشمنان همیشه در هراس بودند و گاهی هم به مقتضای موقعیت خود برای حفظ جانشان از خانه و زندگی آواره می‌شدند و در گوشه‌ای بارنج و مشقت به سر می‌بردند و اگر بعضی از آنها دستگیر می‌شدند مشمول هر نوع آزار و اذیتی قرار می‌گرفتند: به زندان می‌رفتند، کتک می‌خوردند، تبعید می‌شدند، زبانشان بریده می‌شد و در آخر امر هم شربت شهادت می‌نوشیدند. امامان معصوم (ع) نیز خود شعر می‌سرودند. سروده‌های امیرالمؤمنین علی (ع)، سروده‌های حسین بن علی (ع) در کربلا، سروده‌های امام سجاد (ع) در رثای پدر بزرگوارش و سروده‌های دیگر ائمه (ع) ترجمان توجهی آنان به شعر و تأثیر عمیق آن است.

واقعه‌ی وا اسفای عاشورا در کارزار کربلا، حماسه‌ای است همیشه جاوید در آئین آزادی و ایستادگی حضرت حسین بن علی (ع) این اسوه‌ی آزادگان جهان در برابر ستم پیشگان.

حسین(ع) آموخت که آدمی به هنگام آزمایش می‌تواند از تمام تعلقات مادی و معنوی درگذرد و از هرچه که رنگ تعلق دارد آزاد شود. جز یک چیز و آن هم شرف و انسانیت انسان است که به عنوان امانتی الهی و برای عبرت آیندگان باید که تا رستاخیز پایدار ماند. مگر نه این است که یزید و یزیدیان یا آل ابوسفیان و آل مروان یا فرزندان عباس و زبیر نیز همه رفتند اما آنچه باقی ماند و نه تنها شیعیان این امام بلکه همه آزادگان به عنوان اسوه‌ی آزادگی خاطرهای را ارج می‌نهند همان پیام عاشورا است که از امام به یادگار مانده است: شهادت با افتخار نه زندگی ننگ‌بار. و این پیامی برای بشریت در فراخنای جهان و درازای زمان است.

حسین(ع) با قیام خود به تمام اهدافی که در نظر داشت رسید. او موفق شد تغییری در طرز تفکر مردم به وجود آورد تا برای همیشه خط تمایزی بین معیارهای اسلامی و ویژگیهای خصوصی حکمرانان قابل شوند.

درسی که انقلاب حسین(ع) به امت اسلامی داد و چوب قیام در برابر هر باطل و یاری کردن هر حقی تا بنای با عظمت دین بر سر پا بماند و تعالیم آن همه گیر گردد و اخلاق آن انتشار یابد.

او شکست ظاهری را پذیرفت تا آرمانش زنده شود. انسانیت به انسانها بازگردانده شود. در وجدان جامعه بشری انقلاب ایجاد شود، خونها را به حرکت و جوشش درآورد، حمیت و غیرتها را تحریک کند، عشق و ایده‌آل به مردم بدهد و در کالبد مرده جامعه انقلاب ایجاد شود.

حسین(ع) قیام نمود برای حفظ حریم حق از تجاوز باطل و دفاع از حقوقی که ضایع شده و اعاده سنت نبوی و سیره علوی که به فراموشی گراییده بود، در روزگار سخت رواج بدعت‌ها و قلب ماهیت‌ها و پس از آن استمرار این انحراف‌ها بود.

حسین(ع) آگاهانه با همه‌ی مقدمات و با دقت و استدلال با یک عزیمت و حرکت و هجرت پرشکوه و دقیق و تنظیم شده و منزل به منزل به روشن کردن راه و تفسیر کردن سرمنزل و سرنوشتی که به سویش حرکت می‌کرد، اقدام نمود و تاریخ نشان داد که درست عمل کرد.

هیچ فخری در تاریخ بشریت مانند افتخار حسین بن علی(ع) نیست. او شهید شد اما کلام او رسالتی بزرگ گردید، سرش بریده شد ولی برای همیشه رمز شهادت ماند. خونش به زمین ریخت ولی در عصر خویش و همه‌ی عصرها فریادی شد که در گوش مؤمنان و مبارزان فریاد بر می‌دارد: که چشمان خود را باز کنید و به اشراری که شما را محاصره کرده‌اند بنگرید و عوامل ضعف و تردید و پستی را از درون خویش ریشه کن سازید.

عاشورا مانده‌ی بزرگ روح انسان است در تداوم اعصار و هدیه‌ی اسلام است به بشریت و تاریخ. حسین(ع) نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری و بنای ستم هرچه ظاهراً عظیم و استوار باشد در برابر حق و حقیقت چون پر کاهی بر باد خواهد رفت.

عاشورا زلال‌ترین و شورانگیزترین حماسه‌ی تاریخ اسلام، الهام‌بخش همیشه‌ی رهروان آزادی و وارستگی است. نهضت کربلا تنها جانمایه سروده‌های آتشین، طوفان برانگیز، ظلمت ستیز و بیداد شکن نیست، بلکه در قلمرو عرفان و سلوک و اراده‌ی سرمشق در عشق و پاکبختگی نسبت به معشوق، همواره الهام بخش سروده‌های عمیق عارفانه بوده است.

امام حسین خود بارها چه در گفتگوها و چه در حدیث نفس و... به شعر توسل و تمثل می‌جوید:

وَ إِن يَكُنِ الْأَبْدَانُ لِيَلْمُوتِ أَنْشَاتُ      فَتَلُّ أَمْرِي بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ (۱)

اگر پیکرها و انسانها، برای مرگ آفریده شده‌اند، پس کشته شدن در راه خدا به وسیله‌ی شمشیر ترجیح دارد.

امام در سیر واقعه کربلا، بخصوص در شب و روز عاشورا و نیز در سخنانی که در مقابل سپاه دشمن و هم‌چنین در جمع اصحاب خود بیان می‌دارد به مفهوم بی‌اعتباری و پستی دنیا بارها در قالب اشعاری اشاره می‌فرمایند:

يَا ذَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ  
كَمْ لَكَ بِإِشْرَاقِي وَ الْأَصِيلِ  
مِنْ صَاحِبِ أَوْ طَالِبِ قَسْبِ  
وَ الدَّهْرُ لَا يَكْتَنِعُ بِالْبَدِيلِ  
وَ إِنَّمَا الْأَنْسُرُ إِلَى الْجَلِيلِ  
وَ كُلُّ حَيٍّ سَالِكُ السَّبِيلِ<sup>(۱)</sup>

آه از دوستی تو ای روزگارا چه بسا یاران و جویندگانی را که در بامداد و شامگاهت کشته نهادی.

آری روزگار به جای آنان، دیگری را نپذیرد. راستی که پایان کار، به دست خدای شکوهمند است و هر زنده‌ای باید این راه را طی کند.

در روز عاشورا یاران امام (ع)، فرصت آفریدن حماسه‌های عظیم و جاودانه را یافتند و در حالی که شجاعانه به قلب سپاه دشمن حمله می‌کردند طرح رجزهای آنان نیز مرور فرهنگنامه کربلاست. این رجزها آینه‌ی آیین نبرد در آن زمان و فراتر از آن ترجمان انگیزه، تفکر، عشق، امام‌شناسی و عرفان صحابه‌ی مخلص ابا عبدالله است.

رجزهای خاندان بنی‌هاشم نیز از زیباترین و ژرف‌ترین رجزهای کربلاست. آنان نبرد را آزمون‌گاه مردان و معیار شناسایی جوهره‌ی انسان‌ها معرفی کرده‌اند. آنان که در لحظه‌های هول و خطر و در هنگامه‌ی دفاع از مرز حقیقت، تزلزل و سستی نمی‌شناسند و میدان را به دست بهانه‌ها و توجیهات نفسانی نمی‌سپارند، انسانهایی والا و بزرگ منش و متعالی‌اند. در رجز آنان طرح نکات درس‌آموز، حکمت‌ها و پیام‌های عمیق و مؤثر، بارزتر و محسوس‌تر است.

بیش از همه شخص امام حسین (ع) و پس از او ابوالفضل العباس (ع) و سپس علی اکبر (ع) در رجزهای خویش به وعظ، حکمت، اصول و بنیادهای اعتقادی و ارزش‌های الهی پرداخته‌اند.

در عصر عاشورا پس از شهادت امام (ع) که آخرین تکیه‌گاه مقاومت و پایداری شکسته شد، زنی بزرگ در هیئت اسیران و در سیرت رسولان، بنیادهای تزویر و نیرنگ و ستم را فرو ریخت و به دنبال او اهل بیت پیامبر ذهن‌های بسته و دل‌های قفل‌زده را با خواندن خطبه و سرودن اشعاری گشودند، تبلیغات را شکستند و جو مسموم و فضای دروغ‌آلود را با روشنگری به شورش و هیجان و خیزش کشاندند.

شیعه در تاریخی مشحون از جنایت، تبعید و شکنجه کوشید آرمان عاشورا و فرهنگ کربلا را پاس بدارد و به انتشار اندیشه‌های ستیزنده با ظلم بپردازد و با همه‌ی تنگناها و رنجها و محرومیت‌ها در آوارگی و غربت و تبعید، بذخ خیزش و حرکت در جامعه بیفشاند، یکی از جلوه‌های شکوهمند پایداری در تاریخ اسلام و به ویژه تشیع، بیان ارزش‌ها، عظمت‌ها و ابعاد شخصیت امامان و در مفهومی دقیق‌تر و وسیع‌تر معصومین (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) در قالب سروده‌هایی نغز است. این نوع پایداری و این سروده‌های حماسه‌گون، تنها تصویری از مظلومیت، حقانیت و عظمت خاندان پیامبر (ص) به دست نمی‌داد، بلکه چهره‌ی سپاه و تباه دشمنان و بیدادی را که بر مرزداران بزرگ آیین پیامبر (ص) می‌رفت را نیز آشکار می‌ساخت. شاید اولین و شاخص‌ترین نمونه این سرودن، پس از سروده‌های کربلا و سروده‌های قافله‌ی اسیران کربلا در کوفه و شام، قصیده مشهور فرزدق شاعر باشد.

فقهای امت اسلامی و زعمای مذهب نیز از سیره‌ی ائمه معصومین (ع) پیروی کرده و در راه خدمت به دین و حمایت از

حریم و ناموس مذهب و حفظ و حراست مآثر اهل بیت (ع) به پا خاستند تا در مجتمع خود نام امامان را رواج دهند. نسبت به شعرای اهل بیت توجه می نمودند و با دادن جایزه موجبات تشویقشان را فراهم می کردند و چنان که به تألیف کتب فقهی و معارف اسلامی اهمیت می دادند به تدوین کتب شعری و تشریح فنون ادبی می پرداختند، تا اصول شعر و ادب تقویت شده، جاوید بماند. مرحوم «کلینی» که بیست سال از عمر خود را در راه تألیف کتاب کافی صرف نمود کتابی مشتمل بر اشعاری در وصف اهل بیت (ع) دارد. «عیاشی» عالم بزرگ شیعه کتابی به نام «معاریف الشعراء» دارد. مرحوم «صدوق» آن جان باخته‌ی احیای فقه و حدیث، کتاب شعری دارد. مرحوم «جلودی» شخصیت بارز شیعه در بصره، کتابی دارد که اشعار امام علی بن ابی طالب (ع) را جمع آوری نموده است. استاد طایفه شیعه در الجزیره «ابوالحسن شمشاطی» مؤلف کتاب «مختصر فقه اهل بیت» کتابی گرانبها در فنون شعر دارد. مرحوم «مفید» معلم امت اسلام، کتابی در مسائل مربوط به شعر و شاعری دارد. مرحوم «سید مرتضی» علم الهدی دارای دیوان مفصل شعری است و به علاوه در فنون شعر تألیفات نفیسی دارد. مرحوم «سید رضی» نیز دارای دیوان مفصل شعر می باشد. تفسیر تبیان شیخ الطائفه «طوسی» حاکی از این است که وی یکی از بزرگترین شعردانان و شعرشناسان قرن پنجم است. هم چنین فقهاء و علمای دیگر شیعه نیز مشوق این راه بوده اند و علمای بزرگ پیوسته در اعیاد مذهبی و همچنین در روزهای وفات امامان (ع) با مدح و مرثیه سرایی، مکتب اهل بیت (ع) را احیاء می نمودند و دلهای شنوندگان را از مهر و محبت به این خاندان لبریز و پیوند معنوی مردم را با ایشان محکم می ساختند. شعرا نیز در مجالس، مورد احترام و تکریم بودند.

این روش پسندیده در بعضی از اعصار بیشتر از عصر دیگر رونق می یافت و در مردم نشاط و احساسات بیشتری حس می شد. دوران بحرالعلوم و کاشف الغطاء و آیه الله شیرازی از دوره های رواج شعر در مکتب اهل بیت (ع) می باشد. با گسترش اسلام در دیگر کشورها به ویژه ایران، فرهنگ ارزشمند قرآنی سریعاً تأثیر خود را گذاشته و شاعران و سخنوران تشنه‌ی عرفان، گویی گمشده‌ی خود را یافته و در بحر بیکران این فرهنگ به غوص و سیاحت پرداختند و از این رهگذر افرادی همچون فردوسی، عطار، مولوی، خواجوی کرمانی، صائب تبریزی و... با جوش و خروش دیگر به میدان آمدند. شاعران متأثر از فرهنگ غنی اسلام نه تنها خود در مسیر صحیح قلم و بیان قرار گرفتند، بلکه کوشیدند تا در اشعار خود آیات رتانی و احادیث نبوی را به مردم معرفی کنند و در تعالی و تکامل افراد جامعه وظیفه‌ی الهی خود را به انجام رسانند.

در ادبیات فارسی از قرن چهارم، سروده‌هایی که دفاع از خاندان پیامبر و ستایش فضایل و مکرمت‌های ائمه و به ویژه سروده‌های عاشورایی را در بر داشته باشد، دیده می شود. در اشعار کسایی مروزی رنجها و دردهای خاندان پیامبر (ص)، خوشگذرانی خلفای عباسی، دشمنی و عداوت مخالفان کاملاً مشهود است و به زبان دیگر تصویری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرن چهارم هجری در ایران را در آینه‌ی شعر او می توان دید.

یکی دیگر از شاخص ترین و برجسته ترین شاعران که از اهل بیت (ع) دفاع کرده، شاعر قرن پنجم هجری ناصر خسرو قبادیانی است که در سروده‌هایش دفاع از اهل بیت با تکیه بر آیات قرآن و روایات پیامبر که در شأن علی (ع) و اهل بیت او آمده، فراوان می باشد.

رواج شیعه به خصوص در دوران صفویه باعث رویکرد شاعران به توصیف ائمه (ع)، بیان مصایب کربلا و شرح مظلومیت اهل بیت (ع) گردید. در این دوره شاعرانی پیدا شدند که مراثی و مناقب حضرت سیدالشهداء (ع) را در قالب ترکیب بند به بهترین وجه سرودند و از آن پس تاکنون این چشمه‌ی جوشان، هم چنان در جوشش و خروش است و طبع‌های لطیف و دقیق



شاعران، عاشورا این واقعه پایان‌ناپذیر و مکرر را، با مضامینی تازه می‌سرایند و ترجمان غم دل را، زبان شعر می‌دانند. بعدها در دروهی قاجار و بخصوص عصر مشروطه گونه‌های دیگر از سروده‌ها در ستایش و منقبت اهل‌بیت (ع) شکل گرفت که با انقلاب اسلامی ایران به اوج شکوفایی خود رسید.

دوره‌ی معاصر، دوره‌ی کمال جریانهای ادبی پیشین است. در این دوره زبان شعر بارورتر و شفاف‌تر و فضای شعر با مسایل اجتماعی همراه‌تر و پیوسته‌تر است.

مؤلف کتاب از پنج سال پیش کاری تحقیقی و پژوهشی را در مورد زندگانی حضرت امام حسین (ع) در دو بخش متمایز شروع نمود:

بخش اول بررسی زندگانی آن امام بزرگوار از بدو تولد تا پس از شهادت با رویکردی تحقیقی و تحلیلی به وقایع هفتاد سال اول هجرت و بررسی زمینه‌ها، علل و انگیزه‌ها، فلسفه و محتوای فکری قیام عاشورا بود و سعی گردیده بود با تکیه بر منابع کهن و اصیل و دست اول اسلامی این حرکت همیشه جاوید را عاری از پیرایه‌ها و بدعت‌ها و خرافاتی که بر پیکره‌ی آن در طول تاریخ تنیده شده بود در معرض فکر و قضاوت اندیشمندان و دسترس عموم مردم قرار دهد که بحمدالله والمنت حاصل این تلاش در قالب کتابی به نام «حسین بن علی (ع)، امام ارزشها» در ابتدای سال جاری به زیور طبع آراسته و عرضه گردید. و کتاب حاضر به عنوان بخش دوم این تحقیق و پژوهش که اینک با نام «دانشنامه شعر عاشورایی» تقدیم می‌گردد. و به نحوی در بردارنده‌ی ادبیات شیعه و عقاید و احساسات و جهت‌گیری شاعران عرب و پارسی‌گوی، در طول تاریخ به ویژه بر محور حادثه‌ی جانسوز کربلا می‌باشد، و سعی شده است از ارزشمندترین آثار عاشورایی این شعرا نمونه‌هایی آورده شود، تا بر مبنای مذهبی و حق‌جویی شیعه استدلال نمائیم که چگونه شاعران اندیشمند از جان مایه می‌گیرند تا خصلت‌های نیکوی آل محمد (ص) را نمودار سازند و این کار سترگ، هنر شعر و شاعری است که حقیقت را با جلوه‌ی خاصی نشان می‌دهد و در دیدگاه نسلهای آینده که تشنه‌ی حق‌جویی‌اند، قرار می‌دهد.

شاعران با خلق آثار ماندگار پیرامون حادثه و پیام آن، جلوه‌های متجلی در کربلا را جاودانه ساختند. شاعران عاشورایی، احساس خویش را نسبت به آن حماسه در قالب شعر، بیان می‌نمایند و از این راه، بخشی از ادبیات غنی شیعه در زمانهای مختلف شکل گرفته است. در زبان عربی، از همان آغاز، پس از حادثه‌ی کربلا، آن واقعه‌ی عظیم به شعر راه یافت و بازماندگان شهدا از اهل‌بیت (ع) به سرودن مرثیه پرداختند. سپس شاعران دیگر در سالها و قرون متمادی، همواره در ترسیم نهضت کربلا و بیان مصائب اهل‌بیت (ع) از سلاح شعر مدد گرفتند و در این راه هر شاعری به فراخور زمان از سبک‌ها و روشهای گوناگون بهره برده است. برخی در قالب سوزناک‌ترین مرثیه‌ها، عواطف را برانگیختند و به جنبه‌های عاطفی و روحی بیشتر تکیه کردند و برخی روش مقتل و واقعه‌نگاری و ثبت قضایا را برای شرح ماجرا در پیش گرفتند. بر همین اساس نباید انتظار داشت که شعر همه شاعران از لحاظ عمق و تأثیر یکسان باشد و یا توانایی و قدرت آنها را در خلق آثار منظوم به یکسان ارزیابی نمود. همان گونه که قبلاً شرح دادیم روش ائمه در ارج نهادن به شعر شاعران توجه به شعر آنان بدون دخالت دادن شخصیت، رفتار و جهت‌گیری سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی شاعران بوده است که ما نیز همین روش را مبنای کار قرار دادیم و اگر از شاعر دلسوخته‌ای که در رثای سالار شهیدان (ع) سروده‌ای دارد، نامی برده نشده یا شعری آورده نشده است به خاطر عدم دسترسی به تذکره یا نمونه‌های شعر عاشورایی آنان بوده است.

کتاب حاضر در قطع رحلی و در دو جلد تقدیم علاقه‌مندان و دانش پژوهان می‌گردد:

جلد اول در برگیرنده زندگی شاعران عرب و نمونه هایی از بهترین اشعار و مراثی آنان و جلد دوم به همین شکل در مورد شاعران پارسی گوی است.

فصل بندی جلد اول کتاب بر اساس ادوار تاریخی ظهور شاعر صورت پذیرفته است به طوری که شاعران عرب به پنج دوره ی متمایز تقسیم شده اند و در آغاز هر دوره مختصات و مشخصات مرثیه در آن دوره و تغییرات مرثیه سرایی نسبت به دوره ی ماقبل تشریح گردیده است.

جلد دوم کتاب که شامل شاعران غیر عرب (اعم از ایرانی و سایر ملل) می باشد در سه فصل شاعران متقدم، متأخر و معاصر به تفکیک زمانی مشخص شده اند. شاعران متقدم و متأخر بر اساس سال وفات و معاصرین بر مبنای سال ولادت طبقه بندی گردیده اند.

از شاعران معاصر آنان که در قید حیات نبودند و یا به علت اشتها، زندگی نامه و نمونه های اشعار آنان در دسترس بود با تحقیق اسنادی و رجوع به کتابخانه ها، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری و اشعار آنان از بین کتب آنها یا مجموعه های گرد آوری شده گزینش گردید. سایر شاعران معاصر - که بیش از نیمی از شاعران معاصر گرد آوری شده اند - با مراجعه و ارتباط مستقیم با آنان، زندگی نامه و اشعارشان اخذ گردید.

در پایان به مصداق *مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْخَلْقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ* لازم می دانم:

- از استاد ارجمند و قرآن پژوه معاصر جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی که در شرایط دشوار و مجالی تنگ با سعه صدر خواسته ی نویسنده را اجابت فرمودند و مقدمه ای قرآنی بر این کتاب نوشتند، سپاس و امتنان خود را ابراز نمایم.

- از برادر گرامی جناب آقای فکری معاون محترم فرهنگی و آموزش آن سازمان که ما را مرهون مساعی جمیله خویش ساختند و سایر دست اندرکاران امور چاپ آن سازمان تشکر و قدرنمایی نمایم.

- از همسر فرزانه ام که در تمام مراحل کار، یار و مددکارم بودند تشکر می نمایم.

- از سرکار خانم الهه هادیان که در ترجمه بعضی اشعار شاعران عرب مرا یاری دادند تشکر می نمایم.

- همچنین از فرزندان عزیزم که در استفاده از منابع و نوشتن اشعار گزینیه شده و تقابل نسخه های حروفچینی شده، مدد

کارم بودند، تشکر می نمایم.

آرزومندم که همگی مورد عنایت و مرحمت سالار شهیدان (ع) واقع گردند.

مرضیه محمد زاده

آبان ماه ۱۳۸۲ هجری شمسی

رمضان المبارک ۱۴۲۴ هجری قمری